

بازنمایی هویت ناحیه‌ای و ملی در کتاب استان‌شناسی هرمزگان، کردستان و سیستان و بلوچستان

* اقبال زارعی

E-mail: eghbalzarai2010@yahoo.com

** محمد میرزاده کوهشاهی

E-mail: mohammad_mirzadeh71@yahoo.com

*** هاشم ادیبان

E-mail: hashemadiban@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۹

چکیده

کتاب استان‌شناسی با هدف معرفی و بازنمایی هویت ناحیه‌ای استان‌های مختلف کشور تألیف شده، در مقطع متوسطه تدریس می‌شود. به نظر می‌رسد این کتاب به دلیل تازه تألیف بودن دارای کاستی‌هایی در معرفی هویت ناحیه‌ای و ملی است.

این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا چگونگی بازنمایی و معرفی هویت ناحیه‌ای و ملی این کتاب را بررسی کرده است. به این منظور کتاب‌های استان‌شناسی هرمزگان، کردستان و سیستان و بلوچستان بررسی شده‌اند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که رابطه هویت ناحیه‌ای و ملی در سه حالت همسویی، تفاوت و غیرهمسو است و در برخی موارد در معرفی رابطه هویت ناحیه‌ای و ملی دقت لازم صورت نگرفته است و بعضاً بر غیرهمسو بودن هویت ناحیه‌ای و ملی تأکید شده است. همچنین در معرفی هویت ناحیه‌ای میان ابعاد هویت توازن برقرار نشده و فراوانی عوامل فرهنگی و جغرافیایی بیش از سایر عوامل است.

کلید واژه‌ها: هویت ملی، هویت ناحیه‌ای، کتاب استان‌شناسی.

* دانشیار روان‌شناسی دانشگاه هرمزگان

** دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه هرمزگان، نویسنده مسئول

*** دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه تهران

مقدمه و طرح مسأله

هویت از نازل‌ترین سطح آن که به موضوع کیستی یکایک افراد اشاره دارد، تا سطوح محلی و ناحیه‌ای از اهمیت مهمی در شکل‌دهی به مناسبات و تعاملات افراد جامعه با یکدیگر برخوردار است. حائز اهمیت است که هویت موضوعی مجرد و تک بعدی نیست. به بیانی دیگر نمی‌توان برای انسان‌ها تنها یک سطح از هویت قائل شد؛ چرا که امروزه هویت‌ها در تقابل با یکدیگر تعریف نمی‌شوند از این‌رو، موضوع هویت، صرفاً برخوردار از این یا آن هویت نیست (کرایب، ۱۹۹۸: ۵). انسان‌ها امروزه در دنیایی زندگی می‌کنند که همزمان با سطوح محلی، ناحیه‌ای، ملی و جهانی ارتباط دارند و از آنها تأثیر می‌پذیرند و به بیان کاستلز افراد از لایه‌های متعدد و موازی هویتی برخوردارند. با این حال برخی از ابعاد هویت بسته به ملاحظات مختلف و متغیرهای دخیل در زندگی اجتماعی، بر ابعاد دیگر ارجحیت دارند. این امر به‌ویژه در زمانی صورت می‌گیرد که یک منبع قدرت، سطحی از هویت را تبلیغ و به تعمیق آن کمک می‌کند. از آنجا که ملت‌ها قدرتمندترین سازمان اجتماعی در زندگی افراد هستند، هویت ملی بیش از سایر ابعاد هویت مورد توجه قرار می‌گیرد و از این‌رو هویت ملی بر هویت فردی، گروهی و ناحیه‌ای غلبه می‌یابد. در درون هر کشور افراد فارغ از دلبستگی‌های فردی بیشتری تعلق را به هویت ملی دارند. با این حال هویت می‌تواند در چندین سطح ظاهر شود و از این روی هر فردی می‌تواند به‌صورت همزمان چندین هویت داشته باشد. افراد و شهروندان سعی می‌کنند میان اهداف، تمایل‌ها و علائق فرهنگی خود با علائق و منافع ملی نوعی توازن برقرار کنند به نحوی که توجه به یکی از جنبه‌ها چشم‌پوشی از دیگری را فراهم نکند. نظام‌های سیاسی نیز با آگاهی از این موضوع همواره سعی می‌کنند در راستای اهداف و منافع ملی، نوعی رابطه مسالمت‌آمیز، برادرانه و در عین حال بسیار منسجم، میان شهروندان با فرهنگ‌ها و علائق و به‌طور عام هویت مختلف به وجود آورند.

ملت ایران به‌رغم یکپارچگی خود از تنوع فرهنگی نیز برخوردار است. با پیروزی انقلاب اسلامی سیاست نادیده گرفتن تنوعات فرهنگی و استفاده ابزاری از برخی گروه‌های فرهنگی جای خود را به سیاست وحدت در عین کثرت داد، سیاستی که همه شهروندان را به مثابه بخشی از ملت ایران می‌داند، اما تنوعات فرهنگی آنان را به رسمیت شناخته و بر پاسداری از هویت فرهنگی آنان تأکید می‌کند. این تأکید را می‌توان در اصول ۱۲، ۱۳، ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی مشاهده کرد (جهانگیر، ۱۳۷۷: ۳۰).

به تبعیت از سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی و پیروی از قانون اساسی، در کنار متون و کتاب‌های درسی که در دوره‌های مختلف تحصیلی به تبلیغ و تعمیق هویت ملی می‌پردازند، موضوع هویت ناحیه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته است. هدف از این امر حفظ تنوع فرهنگی و پاسداری از فرهنگ‌های بومی است. اگرچه در کتاب‌های مختلف درسی و در مقاطع مختلف تحصیلی متون و درس‌هایی وجود دارد که در آنها به موضوع هویت ملی و تبلیغ و معرفی آن پرداخته، اما تنها در درس استان‌شناسی هویت ناحیه‌ای و معرفی و تعمیق آن در دستور کار قرار گرفته است.

کتاب استان‌شناسی با هدف آشنایی با پیشینه تاریخی، فرهنگ، عادات اجتماعی، مشاهیر و اقتصاد استان‌های مختلف تألیف شده و در مقطع متوسطه دوم تدریس می‌شود. پرسش اساسی این است که آیا این کتاب از ظرفیت و توانایی لازم برای معرفی و تعمیق هویت ناحیه‌ای برخوردار است و آیا محتوای این کتاب که به معرفی هویت ناحیه‌ای می‌پردازد، در تقابل با هویت ملی نیست؟ نگارندگان برای بررسی این موضوع از میان کتاب‌های استان‌شناسی، سه کتاب استان‌شناسی استان‌های هرمزگان، کردستان و سیستان و بلوچستان را بررسی کردند تا در صورت نیاز محتوای این کتاب‌ها مورد بازنگری و تغییر قرار گیرد. مصداق‌های هویت ملی در این پژوهش شامل سیاست و حکومت، آداب و رسوم (اعیاد، جشن ملی، پوشش)، مذهب، زبان، هنر و معماری، تاریخ، ادبیات، اساطیر، سرزمین و جغرافیا، مشاهیر و مفاخر بودند. مصداق‌های هویت ناحیه‌ای نیز سیاست و حکومت، آداب و رسوم (اعیاد، جشن ملی، پوشش)، مذهب، زبان و گویش، هنر و معماری، تاریخ، ادبیات، اساطیر، سرزمین، جغرافیا، مشاهیر و مفاخر بودند.

پرسش و فرضیه تحقیق

معرفی و بازنمایی هویت ناحیه‌ای و ملی در کتاب استان‌شناسی استان‌های هرمزگان، کردستان و سیستان و بلوچستان چگونه است؟

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه نخست: به نظر می‌رسد در معرفی و بازنمایی هویت ناحیه‌ای و ملی در کتاب استان‌شناسی استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان و هرمزگان گاهی این دو در راستای یکدیگر، گاهی در تقابل با یکدیگر و گاهی متفاوت با یکدیگر معرفی شده‌اند.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد در معرفی و بازنمایی هویت ناحیه‌ای و ملی در کتاب

استان‌شناسی استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان و هرمزگان به ابعاد هویت به صورت متوازن توجه نشده است.

پیشینه تحقیق

پیش از این در ارتباط با موضوع هویت ملی در نظام آموزشی ایران پژوهش‌های مختلفی شده است. در این پژوهش‌ها به بازنمایی، معرفی و توضیح شاخصه‌ها و ابعاد مختلف هویت ملی توجه شده است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله صالحی و شکیبائی‌ان اشاره کرد که در آن به توصیف میزان توجه به مؤلفه‌ها و مفاهیم مرتبط با هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی پرداخته‌اند (صالحی و شکیبائی‌ان، ۱۳۸۶). شمشیری و نوشادی نیز در مقاله‌ای میزان برخورداری کتاب‌های فارسی، تاریخ و تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از مؤلفه‌های هویت ملی را بررسی کرده‌اند (شمشیری و نوشادی، ۱۳۸۶). لطفی و عبدی نیز جایگاه هویت ملی در کتاب‌های تاریخ دوره دبیرستان را بررسی کرده‌اند (لطفی و عبدی، ۱۳۸۷). عراقیه و همکارانش نیز در مقاله‌ای جایگاه قومیت در برنامه‌های درسی دوره متوسطه در نظام آموزش و پرورش ایران در رشته ادبیات و علوم انسانی را بررسی کرده‌اند (عراقیه و همکاران، ۱۳۹۰). این در حالی است که پژوهش‌های دیگری از جمله جعفرزاده‌پور (۱۳۸۹)، فیاض و ایمانی قوشچی (۱۳۸۹)، نوشادی و همکاران (۱۳۹۰)، خدایار و فتحی (۱۳۸۷)، صالحی عمران و همکاران (۱۳۸۷)، منصوری و فریدونی (۱۳۸۸) نیز در این زمینه انجام شده، اما در همه پژوهش‌های صورت گرفته صرفاً جایگاه و موضوع هویت ملی آن در کتاب‌های ملی و سراسری مورد توجه قرار گرفته و به کتاب‌های ناحیه‌ای توجهی نشده است. در واقع وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین در آن است که هویت ملی در کنار هویت ناحیه‌ای شده بررسی و متون مورد بررسی نیز متونی هستند که برای تعمیق، آموزش و معرفی هویت ناحیه‌ای در مناطق مختلف کشور تدریس می‌شوند.

روش تحقیق

این مطالعه با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. در این راستا نوشته‌ها (جملات، اشعار و ضرب‌المثل‌ها) و تصاویر (نقشه‌ها و عکس‌ها) به صورت کمی (تعداد و فراوانی) و در مواردی کیفی (ارزش و محتوا) و در سه قالب مطالبی که به بررسی و معرفی هویت ملی می‌پردازند، مطالبی که هویت ناحیه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهند

و مطالبی که ارتباط این دو با یکدیگر را می‌سنجد، بررسی و استخراج شد. در نوشته‌ها، جملات معنادار که از قابلیت انتقال مفاهیم برخوردار بودند مبنای کار قرار گرفت و در تصاویر نیز پیام و محتوای آنها به صورت یک جمله در نظر گرفته شد. جامعه آماری سه کتاب استان‌شناسی استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان و هرمزگان و برای تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار Excel و SPSS کمک گرفته شده است.

مبانی نظری

۱- هویت ملی

هویت ملی نوعی احساس تعلق به ملتی خاص است؛ ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم، قهرمانان، تاریخ، فرهنگ و سرزمین معینی دارد (گابریو، ۲۰۰۱: ۲۴۳). هویت ملی به مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی گفته می‌شود که یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می‌کند و در جامعه نوعی وحدت و انسجام به وجود می‌آورد (فریدونی و منصور، ۱۳۸۸: ۲). هویت ملی، احساس درونی فرد درباره کشور، ملت، موطن و هرگونه نمادی است که نشانی از تاریخ، فرهنگ و سنت‌ها، آثار تاریخی و فرهنگی در آن وجود داشته باشد (آزاد مرزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۲۰). اسامیت یکی از صاحب‌نظران هویت ملی معتقد است که هویت ملی مفهومی بسیار پیچیده و انتزاعی است که شامل عناصری مانند محدوده سرزمین، جمعیت، فرهنگی مجزا در سرزمین، اسطوره‌ها و خاطرات تاریخی مشترک، فرهنگ مشترک، تقسیم سرزمین، نیروی کار و منابع بین همه اعضا، برخورداری از حقوق و وظایف، قانون مشترک در پرتو حقوق و نهادهای مشترک است (اسمیت، ۱۹۹۹: ۲۳۰).

هویت ملی دارای ابعاد گوناگونی است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- بعد اجتماعی: ناظر به احساس تعلق خاطر مشترک و تعهد افراد به اجتماع؛ ۲- بعد تاریخی: ناظر بر خاطرات رخدادها، شخصیت‌ها و فراز و فرودهای تاریخی؛ ۳- بعد جغرافیایی: ناظر بر قلمرو و سرزمین مشخص؛ ۴- بعد سیاسی: ناظر بر تعلق به نظام واحد سیاسی و ارزش‌های مشروعیت‌بخش به دولت ملی؛ ۵- بعد دینی: ناظر بر اعتقاد به دین واحد؛ ۶- بعد فرهنگی - ادبی: ناظر به سنت‌ها، فولکلور، معماری، هنر، زبان و ادبیات (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۲)، اما در تقسیم‌بندی کلی و معرفی ابعاد و عناصر تشکیل دهنده و معرف آن هیچ اجماع نظری وجود ندارد و افراد با توجه به حوزه مطالعاتی و علائق پژوهشی خود تقسیم‌بندی‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. با این حال در

یک مطالعه جامع که توسط مؤسسه مطالعات ملی به عنوان معتبرترین مؤسسه فعال این زمینه، صورت گرفته است؛ نصری در کتاب «مبانی هویت ایرانی» به طور مشخص دین و مذهب، زبان، جغرافیا و سرزمین، رسوم و آیین‌ها، ادبیات، هنر و معماری و اساطیر و به صورت مستتر سیاست و حکومت را به عنوان مؤثرترین شاخصه‌ها و معرف‌های هویت ایرانی برشمرده است (نصری، ۱۳۸۷). حمید احمدی نیز تاریخ (اسطوره‌ای و واقعی)، میراث سیاسی ایران و دولت، میراث فرهنگی و ادبی و جغرافیا و سرزمین را عناصر بنیادین هویت ملی ایرانی می‌داند که زبان فارسی زنجیره پیوند این عناصر چهارگانه است (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۷۰). پژوهشگران دیگری نیز دین و مذهب، جغرافیا، سیاست و حکومت، هنر و معماری، آداب و رسوم و ادبیات و تاریخ را از جمله عناصر و مولفه‌های هویت ملی دانسته‌اند (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

۳- هویت ناحیه‌ای

در جغرافیا واژه ناحیه برای اشاره به محدوده‌های جغرافیایی استفاده می‌شود که از نظر ویژگی‌های طبیعی و انسانی (فرهنگی - اجتماعی) همگن و همسانند. هویت ناحیه‌ای یکی دیگر از سطوح هویت است که این سطح از هویت معمولاً زیرمجموعه هویت ملی تعریف می‌شود و نمود می‌یابد، درباره چستی هویت ناحیه‌ای و عناصر تشکیل دهنده آن تعاریف، برداشت‌ها و نظریه‌های مختلفی وجود دارد. در این میان پسی (۱۹۸۴، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۹، ۲۰۱۳) بیش از سایرین به این سطح از هویت توجه کرده است. سبک زندگی، جغرافیا و محیط، فرهنگ، قومیت، گویش، تاریخ و حتی وضعیت اقتصادی - توسعه‌ای نواحی و آنچه که در بین شهروندان نواحی مختلف نگاه مبتنی بر «ما» و «آنها» را ایجاد می‌کنند، از عناصر تشکیل دهنده هویت ناحیه‌ای هستند (پسی، ۲۰۰۳: ۴۷۸). پسی بر عامل خودآگاهی در شکل‌گیری هویت ناحیه‌ای تأکید ویژه‌ای دارد و حتی هویت ناحیه‌ای را مرتبط و همپوشان با آگاهی‌های ناحیه‌ای می‌داند. وی معتقد است بین «هویت یک ناحیه» یعنی نشانه‌ها و خصیصه‌های طبیعی، فرهنگی، سیاسی آن ناحیه و «هویت ناحیه‌ای» یعنی آگاهی مردم از تفاوت‌ها و احساس تمایز با سایر نواحی، تفاوت وجود دارد و نباید این دو را یکسان در نظر گرفت (پسی، ۲۰۰۲: ۱۳۹). این مقاله در شناسایی هویت ملی اتکا بر کتاب «مبانی هویت ایرانی»، چاپ مؤسسه مطالعات ملی دارد و در شناسایی هویت ناحیه‌ای تأکید نویسندگان بر نگرش پسی یعنی وجود عناصر شمرده شده در فوق به همراه خودآگاهی ناحیه‌ای است.

رابطه هویت ملی و ناحیه‌ای

در ارتباط با رابطه هویت ملی و ناحیه‌ای ممکن است یکی از سه حالت زیر وجود داشته باشد: در حالت نخست هویت ناحیه‌ای و ملی در ارتباط مستقیم با یکدیگر قرار داشته و همسو و همراستا با یکدیگرند؛ به این صورت که تقویت یا تضعیف یکی منجر به تقویت یا تضعیف دیگری می‌شود. در این حالت معمولاً هویت ناحیه‌ای در درون هویت ملی جای می‌گیرد و هویت ملی تأیید کننده هویت ناحیه‌ای است. در حالت دوم هویت ناحیه‌ای و ملی متفاوت از یکدیگر بوده یا در معرفی و بازنمایی آنها ممکن است به دلایل مختلف تعمداً یا از سر سهل‌انگاری و کم‌توجهی، آنها بی‌ارتباط با یکدیگر معرفی شوند. تفاوت هویت ملی و ناحیه‌ای در کشورهایی با مناطق فرهنگی و قومی - مذهبی مختلف امری عادی است و این به معنای تقابل این دو هویت با یکدیگر نیست زیرا افراد و گروه‌ها می‌توانند از سطوح و لایه‌های هویتی مختلفی برخوردار باشند و به صورت همزمان و به شکل عادی چندین هویت را بپذیرند (برتون، ۱۳۸۴: ۲۳). سومین حالت زمانی رخ می‌دهد که دو هویت در تقابل و برابر یکدیگر قرار می‌گیرند و رقیب و به عبارتی «دگر» هویتی می‌شوند. اگر هویت ناحیه‌ای تشدید شده و در تقابل با هویت ملی قرار گیرد، در درازمدت ممکن است به ناحیه‌گرایی فرهنگی، ناحیه‌گرایی سیاسی و حتی تجزیه‌طلبی منجر شود. در این حالت هویت ناحیه‌ای موجودیت خود را در تقابل با هویت ملی و نفی آن دیده و تلاش می‌کند نشان دهد که از نظر عوامل هویت‌ساز، همتراز با هویت غالب است و هویت ملی و غالب را به نفی خود متهم می‌کند.

یافته‌های تحقیق

در انجام این پژوهش پس از تعیین و انتخاب عناصر معرف هویت ملی و ناحیه‌ای در چهار بعد سیاسی، فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی در کتاب‌های مورد بررسی در قالب مصادیق ده‌گانه، فراوانی هر یک از این مصادیق در کتاب‌های مورد بررسی به دست آمد. بر این اساس در کتاب استان‌شناسی سیستان و بلوچستان در میان ۴۳۵ جمله و تصویر معرف هویت ناحیه‌ای، عناصر جغرافیا و سرزمین، تاریخ، سیاست و حکومت و هنر و معماری دارای بیشترین فراوانی بودند. از مجموع جملات و تصاویر یاد شده ۲۶۳ مورد از آنان در همسویی با هویت ملی، ۱۶۹ مورد از آنان بدون ارتباط مشخص و سه مورد نیز در تقابل با هویت ملی بودند. دو مورد از موارد دارای تقابل با هویت ملی،

مربوط به نامیدن گویش‌های ناحیه‌ای به مثابه زبان است؛ حال آن‌که این گویش‌های زبان فارسی، شرایط و ویژگی‌های لازم برای یک زبان را ندارند و فاقد رسم‌الخط نظام‌مند هستند و در مقایسه با فارسی معیار، گویش محسوب می‌شوند. مورد دیگر نیز به نامیدن یکی از شاعران این خطه به عنوان «شاهزاده سیستانی» است، حال آن‌که به باور کارشناسان به دلیل پیوند شاه، حکومت و کشور، «شاه و شاهزاده» متعلق به حکومت مرکزی است؛ از این رو با توجه به دوره تاریخی حیات این شاعر، منظور نویسندگان «شاهزاده ایرانی در دوره حکومت صفاریان» بوده است. از میان ۸۴ جمله و تصویر معرف هویت ملی نیز جغرافیا و سرزمین، مشاهیر و مفاخر، سیاست و حکومت و تاریخ فراوانی بیشتری داشتند که همه آنها همسو و تأیید کننده هویت ناحیه‌ای بودند (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: ابعاد و مؤلفه‌های هویت ناحیه‌ای و ملی در کتاب استان‌شناسی سیستان و بلوچستان

رابطه	تفاوت	قتال	همسویی	جمع	تاریخ	فرهنگی							سیاسی	بعد	
						اساطیر	ادبیات	مشاهیر و مفاخر	هنر و معماری	زبان و گویش	مذهب	آداب و رسوم			حکومت
ناحیه‌ای	۹۱۶	۳	۶۳۲	۴۳۵	۹۳	۱۱۳	۴	۶	۹۰	۳۸	۷	۴	۲۵	۵۵	فراوانی
	۳۸/۸	۰/۶۸	۶۰/۴	۱۰۰	۲۱/۳	۲۵/۹	۰/۹	۱۰۳۷	۲۰/۶	۸/۷	۱/۶	۰/۹	۵/۷	۱۲/۶	درصد
ملی	۰	۰	۴۸	۸۴	۱۴	۲۴	۰	۰	۲۲	۲	۳	۰	۲	۱۷	فراوانی
	۰	۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۶/۶۶	۲۸/۵۷	۰	۰	۲۶/۱	۲/۳	۳/۵	۰	۲/۳	۲۰/۲۳	درصد
			۱۸۶		۱۳۱	۲۳/۳			۱۹۳	۱۲۱	۰/۲		۵۹/۹	۱۲۷	خی‌دو
			۰		۱	۰/۱۷			۱	۱	۹۸		۱	۱	P

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود براساس مقادیر خی‌دو مشاهده شده جدول، بین متغیرهای سیاست و حکومت، آداب و رسوم، هنر و معماری، مشاهیر و مفاخر، اساطیر، و تاریخ در سطح ملی و ناحیه‌ای در استان سیستان و بلوچستان تفاوت وجود دارد. بر همین اساس بین متغیرهای زبان، گویش، سرزمین و جغرافیا در سطح ملی و ناحیه‌ای استان سیستان و بلوچستان تفاوت وجود ندارد.

در کتاب استان‌شناسی کردستان در میان ۶۷۳ عنصر معرف هویت ناحیه‌ای، جغرافیا

دارای بیشترین فراوانی است. پس از آن نیز سیاست و حکومت، تاریخ و مشاهیر و مفاخر فراوانی بیشتری دارند. در میان عناصر معرف هویت ملی نیز در این کتاب به ترتیب سیاست و حکومت، مشاهیر و مفاخر، تاریخ و جغرافیا دارای فراوانی بیشتری هستند. از مجموع جملات و تصاویر یاد شده، ۴۳۸ مورد از آنان در همسویی با هویت ملی، ۲۲۴ مورد از آنان بدون ارتباط مشخص و ۱۱ مورد نیز در تقابل با هویت ملی است. بیشتر موارد تقابل در مفاهیم مرتبط با زبان هستند که اجتناب‌ناپذیر است، اگرچه در برخی موارد از جمله صفحه ۸۵ نیز پیشینه تاریخی به گونه‌ای بیان شده که القا کننده کشوری جدای از ایران است. از میان ۱۴۷ جمله و تصویر معرف هویت ملی نیز سیاست و حکومت، مشاهیر و مفاخر و تاریخ فراوانی بیشتری دارند که همه آنها همسو و تأیید کننده هویت ناحیه‌ای هستند (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: ابعاد و مؤلفه‌های هویت ناحیه‌ای و ملی در کتاب استان‌شناسی کردستان

سطح	مؤلفه	سیاسی	فرهنگی						جغرافیایی		تاریخی	جمع	رابطه		
			سیاست و حکومت	آداب و رسوم	مذهب	زبان و گویش	هنر و معماری	مشاهیر و مفاخر	ادبیات	اساطیر			سرزمین و جغرافیا	تاریخ	همسویی
منطقه‌ای	فراوانی	۱۱۹	۴۱	۲۲	۷۹	۲۸	۸۴	۱۷	۴	۱۷۷	۱۰۲	۶۷۳	۴۸۳	۱۱	۲۲۴
	درصد	۱۷/۶	۶	۳/۲	۱۱/۷	۴	۱۲/۴	۲/۵	۰/۵۹	۲۶/۳	۱۵/۱	۱۰۰	۶۵	۱/۶	۳۳/۲
ملی	فراوانی	۵۳	۳	۱	۰	۲	۳۲	۰	۰	۲۴	۳۰	۱۴۷	۱۴۷	۰	۰
	درصد	۳۵/۵	۲	۰/۶۸	۰	۱/۴۶	۲۱/۷	۰	۰	۱۶/۱	۲۲/۸	۱۰۰	۱۰۰	۰	۰
خی دو		۳۵۹	۷۰/۵	۴۶/۶			۲۸۴	۰/۲		۱۸/۸۳	۱۹۲		۳۷۶		
P		۱	۱	۱				۰/۹۹		۰/۷۶	۱		۱		

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود براساس مقادیر خی دو مشاهده شده جدول بین متغیرهای سیاست و حکومت، آداب و رسوم، مذهب، مشاهیر و مفاخر، و تاریخ در سطح ملی و ناحیه‌ای در استان کردستان تفاوت وجود دارد. بر همین اساس بین متغیرهای ادبیات و سرزمین و جغرافیا در سطح ملی و ناحیه‌ای استان کردستان تفاوت وجود ندارد.

در کتاب استان‌شناسی هرمزگان در میان ۴۶۶ عنصر معرف هویت ناحیه‌ای همانند

دو کتاب پیشین جغرافیا و سرزمین دارای بیشترین فراوانی است، پس از آن نیز تاریخ، آداب و رسوم و هنر و معماری فراوانی بیشتری دارند. در میان عناصر معرفت هویت ملی در این کتاب به ترتیب تاریخ، سرزمین و جغرافیا و سیاست و حکومت فراوانی بیشتری دارند. از مجموع جملات و تصاویر یاد شده ۲۴۷ مورد از آنان در همسویی با هویت ملی، ۲۱۰ مورد از آنان بدون ارتباط مشخص و ۶ مورد نیز در تقابل با هویت ملی است که ناشی از زبان گویش ساکنان استان هرمزگان یعنی گویش «بندری» است که در مواردی مانند صفحه ۵۴ کتاب وجه آشکارتری دارد. از میان ۱۲۵ جمله و تصویر معرفت هویت ملی نیز سیاست و حکومت، مشاهیر و مفاخر و تاریخ فراوانی بیشتری دارند که همه آنها همسو و تأیید کننده هویت ناحیه‌ای هستند (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: ابعاد و مؤلفه‌های هویت ناحیه‌ای و ملی در کتاب استان‌شناسی هرمزگان

رابطه	تاریخی	جغرافیایی	فرهنگی							تاریخی	جمع	رابطه			
			سیاسی	بعد	مؤلفه	سبک	آداب و رسوم	مذهب	زبان و گویش			هنر و معماری	مشاهیر و مفاخر	ادبیات	اساطیر
ناشی از	فراوانی	۴۶	۵۶	۱۸	۱۳	۵۵	۳۶	۵	۳	۱۴۰	۹۴	۴۶۶	۲۴۹	۶	۲۱۱
	درصد	۱۰/۳	۱۲	۳/۸	۲/۷	۱۱/۸	۷/۷	۱/۰۷	۰/۶	۳۰	۲۰/۱	۱۰۰	۵۳/۴	۱/۲	۴۵/۲
ملی	فراوانی	۲۸	۴	۱	۰	۱	۱۷	۰	۰	۳۵	۳۸	۱۲۴	۱۲۴	۰	۰
	درصد	۲۲/۵	۳/۲	۰/۸	۰	۰/۸	۱۳/۷	۰	۰	۱۶/۱	۲۲/۸	۱۰۰	۱۰۰	۰	۰
خی دو		۸۶	۱۲۹/۱	۱۳۱		۳۹	۲۳۹			۱۳۳/۳	۲۶۳		۲۵۶		
P		۱	۱	۱		۱	۱			۱	۱		۱		

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود براساس مقادیر کمی دو مشاهده شده جدول، بین متغیرهای سیاست و حکومت، آداب و رسوم، مذهب، مشاهیر و مفاخر، هنر و معماری، سرزمین و جغرافیا و تاریخ در سطح ملی و ناحیه‌ای در استان هرمزگان تفاوت وجود دارد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

همان‌طور که پیش از این بیان شد، شهروندان ایرانی همزمان با هویت ایرانی خود، دارای هویت‌های ناحیه‌ای نیز هستند. از این‌رو پاسداری از هویت ناحیه‌ای نیز از وظایفی است که باید مورد توجه دولت و نظام آموزشی قرار گیرد. در این راستا، هویت ناحیه‌ای نیز موازی با آموزش و تبلیغ هویت ملی، مورد توجه دولت بوده است؛ هر چند در این زمینه کاستی‌هایی نیز وجود دارد. برای معرفی و آموزش هویت ناحیه‌ای به طور ویژه کتابی با عنوان «استان‌شناسی» تهیه شده و در مدارس هر استان تدریس می‌شود. نکته مهم در ارتباط با این کتاب آن است که باید در کتاب استان‌شناسی ضمن معرفی و آموزش هویت نواحی (استان‌ها) ارتباط آنها با هویت ملی تبیین و تشریح شود و رابطه دوجانبه و میزان همپوشانی این دو مشخص شود تا این دو سطح از هویت به صورت متوازن و مرتبط با هم رشد کنند. در این راستا ابعاد و مؤلفه‌های هویت نیز باید به صورت متوازن و در عین حال متناسب با شرایط فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و تاریخی مناطق مختلف مورد توجه قرار گیرند.

در کتاب‌های بررسی شده بین ابعاد و مؤلفه‌های هویت، تناسب لازم وجود ندارد. گاهی به داده‌های استخراج شده از کتاب‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که فراوانی ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی و جغرافیایی بسیار بیشتر از ابعاد و مؤلفه‌های تاریخی و سیاسی است. در میان عناصر مورد بررسی در هر سه کتاب، سهم و فراوانی جغرافیا و سرزمین که در اینجا بدون تفاوت‌هایی که جغرافیدانان قائلند در کنار هم قرار گرفته بودند، بالا است. در کتاب استان‌شناسی سیستان و بلوچستان ۱۱۳ مورد یعنی بیش از یک چهارم جمله‌ها و تصاویر، محتوایی جغرافیایی دارند. این موضوع در استان‌شناسی کردستان بیشتر و در استان‌شناسی هرمزگان نزدیک به یک سوم کتاب را دربرمی‌گیرد. این امر از آنجا ناشی می‌شود که در مرحله نخست، این کتاب‌ها جایگزین کتاب «جغرافیای استان» شدند که پیش از این در دوره دبیرستان تدریس می‌شد و محتوای آن به مراتب جغرافیایی‌تر بود از این‌رو چون کتاب حاضر نیز به صورت آزمایشی تألیف شده، امری پذیرفتنی است. هر چند که ترکیب نویسندگان کتاب و میزان حضور دبیران و کارشناسان جغرافیا در تدوین کتاب‌ها نیز در این زمینه مؤثر بوده است. از سوی دیگر موقعیت و شرایط جغرافیایی و سیاسی استان‌ها نیز در این زمینه نقش داشته است. به طور مثال همجواری استان هرمزگان با خلیج فارس که نام آن توسط برخی کشورهای

منطقه مورد تحریف و جعل قرار گرفته، سبب افزایش توجه به آن در کتاب استان‌شناسی هرمزگان و در نتیجه توجه بیشتر به مؤلفه‌های جغرافیایی شده است.

جدول شماره ۴: درصد و فراوانی ابعاد هویت ناحیه‌ای در کتاب‌های استان‌شناسی سیستان و بلوچستان، کردستان و هرمزگان

جمع	تاریخی		جغرافیایی		فرهنگی		سیاسی		بعد
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
سیستان و بلوچستان	۴۳۵	۲۱/۳۲۱	۹۳	۲۵/۹	۱۱۳	۴۰	۱۷۴	۱۲/۶	۵۵
کردستان	۶۷۳	۱۵/۱۵	۱۰۲	۲۶/۳	۱۷۷	۴۰/۸۶	۲۷۵	۱۷/۶	۱۱۹
هرمزگان	۴۶۶	۲۰/۱۷	۹۴	۳۰/۰۴	۱۴۰	۳۹/۴۸	۱۸۴	۱۰/۳	۴۸

توجه بیشتر به بعد فرهنگی نیز تا حدی به دلیل گستره و تعدد مؤلفه‌های آن و اساساً نقش بالای فرهنگ در شکل‌دهی به هویت است. با این حال این بعد هویت نیز از تناسب لازم با سایر ابعاد برخوردار نیست؛ به طوری که در هر سه کتاب ۴۰ درصد مجموع فراوانی‌ها را به خود اختصاص داده است، اما در درون آن تفاوت‌هایی وجود دارد که این تفاوت‌ها منطبق با شرایط استان‌های مورد بررسی است. به طوری که در استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان مشاهیر و مفاخر از فراوانی بیشتری برخوردارند، اما در استان هرمزگان که مشاهیر کمتری دارد، این موضوع نمود کمتری دارد. هر چند همسویی مشاهیر و مفاخر در هر سه کتاب با هویت ملی و در پاره‌ای از موارد معرفی افرادی که به سایر مناطق کشور تعلق دارند، در راستای ایجاد پیوندهای هویتی بین مناطق پیرامونی با هویت ملی بوده است و به‌رغم فقدان سندیت و صحت لازم، امری مثبت به نظر می‌رسد. زبان و گویش و ادبیات نیز این‌گونه است؛ به طوری که رسمیت یافتن زبان کُردی و قواعد و سبک نگارش نظام یافته و متون تولید شده به وسیله آن سبب شده این عناصر در کتاب استان‌شناسی کردستان نسبت به کتاب‌های دو استان دیگر نمود بیشتری یابد. این در حالی است که در کتاب استان‌شناسی هرمزگان ضمن انتقاد از گسترش روزافزون زبان فارسی در این استان، تأکید شده است که «بندری» به‌عنوان گویش / لهجه مردم هرمزگان گویش و لهجه نیست، بلکه زبان است. این در حالی است که بنا بر تعاریف سنتی از ملت و هویت، برجسته کردن هویت ناحیه‌ای در تقابل با هویت ملی است، ضمن آن‌که این گویش نسبت به فارسی معیار شرایط یک زبان مستقل را ندارد.

در سایر ابعاد نیز وضعیت و گذشته استان‌ها نقش مهمی در فراوانی جمله‌ها دارد و توجه به ابعاد خاصی از هویت ملی شده است. مسائل سیاسی در دو استان کردستان و سیستان و بلوچستان و برخی حرکت‌های سیاسی واگرایانه که در طول سده گذشته با حمایت خارجی صورت گرفته، سبب شده در کتاب‌های این استان‌ها به ابعاد سیاسی هویت ناحیه‌ای توجه بیشتری شود و در اینجا نه معرفی هویت، بلکه همزمان با آن بازنمایی و برساختن آن نیز مورد توجه بوده است. این امر به‌ویژه در کتاب استان‌شناسی کردستان نمود بیشتری یافته است، به گونه‌ای که تلاش زیادی برای نشان دادن همسویی مؤلفه‌های سیاسی هویت ناحیه‌ای و ملی صورت گرفته است؛ درحالی‌که در هرمزگان به دلیل تاریخ همسوی این استان، به این بعد کمتر پرداخته شده است. به‌طورکلی همسویی هویت ناحیه‌ای و هویت ملی در کتاب‌های مورد بررسی در بسیاری از موارد مورد غفلت قرار گرفته است. اگرچه هر سه استان مورد بررسی در مناطق پیرامونی کشور یعنی محل زندگی گروه‌های قومی و مذهبی قرار دارند و بنابراین دارای تفاوت‌هایی با برخی مناطق کشور هستند، اما این تفاوت‌ها چندان چشمگیر نبوده و با اصلاح و ویراستاری مجدد کتاب‌ها به‌ویژه کتاب استان‌شناسی هرمزگان امکان معرفی هویت ناحیه‌ای به گونه‌ای که از همسویی بیشتری با هویت ملی برخوردار باشد، وجود دارد.

جدول شماره ۵: نوع رابطه هویت ناحیه‌ای و ملی در کتاب‌های استان‌شناسی سیستان و بلوچستان، کردستان و هرمزگان

کتاب استان‌شناسی	جمع	نوع رابطه					
		همسویی		تقابل		تفاوت	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سیستان و بلوچستان	۴۳۵	۶۳۲	۶۰/۴۵	۳	۰/۶۸	۹۱۶	۳۸/۸۵
کردستان	۶۷۳	۴۳۸	۶۵/۰۸	۱۱	۱/۶۳	۲۲۴	۳۳/۲۸
هرمزگان	۴۶۶	۲۴۹	۵۳/۴۳	۶	۱/۲۸	۲۱۱	۴۵/۲۷

در توجه به هویت ملی نیز، در هر سه کتاب کاستی‌هایی وجود دارد؛ چرا که در بسیاری از صفحات کتاب اشاره‌ای به هویت ایرانی و به‌طورکلی ایران نشده است، درحالی‌که با توجه به تلاش‌های خارجی، موقعیت هر سه استان یاد شده و فرایند جهانی شدن، ضروری است ایرانی بودن و پیوند این استان‌ها بیش از این، مورد توجه

قرار گیرد. البته این پیوند در بسیاری از موارد صرفاً با اضافه کردن چند کلمه مانند «همانند سایر نقاط ایران...» قابل اصلاح است. در بسیاری از موارد برای اشاره به این استان‌ها واژه «استان» در کنار آنها نیامده است و عباراتی مانند «کردستان، بلوچستان، سرزمین کردستان و سرزمین بلوچستان» مورد اشاره قرار گرفته‌اند، حال آن‌که عبارت درست و متناسب برای تعمیق هویت ملی در عین معرفی هویت ناحیه‌ای «استان کردستان و منطقه بلوچستان و محدوده استان کردستان یا منطقه بلوچستان است» تا نشان داده شود که این استان و منطقه و مردم آن بخش‌هایی کوچک از موجودیتی بزرگتر، یعنی ایران هستند. برای مثال در جایی از کتاب استان‌شناسی کردستان آمده است: «زبان مردم کردستان، کُردی و یکی از شاخه‌های زبان مادی است...» (ایرانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۲) در صورتی که مناسب‌تر است این جمله به این صورت آورده شود که «زبان مردم استان کردستان، کُردی و یکی از شاخه‌های زبان مادی است...»؛ چرا که به‌رغم اشتراک زبانی مردم استان کردستان با مناطق کردنشین سایر کشورها و البته برخی استان‌های کشور که نیاز بود به هر دو مورد آن اشاره شود، که در این کتاب مورد غفلت قرار گرفته است، در این کتاب از استان کردستان به‌عنوان یکی از استان‌های کشور صحبت می‌شود نه «کردستان» به منزله بخشی از خاورمیانه که برخی با رویای استقلال آن، هویت آن را در تقابل با هویت ایرانی قرار می‌دهند. اگر چنین مواردی که اصلاح آن به راحتی میسر است، نادیده گرفته نشود، توجه به هویت ملی در هر سه کتاب مناسب و در عین حال کاملاً همسو با هویت ناحیه‌ای و در تأیید آن بوده است و این موضوع از حسن‌ها و نکات مثبت کتاب‌های یاد شده است.

جدول شماره ۴: درصد و فراوانی ابعاد هویت ملی در کتاب‌های استان‌شناسی سیستان و بلوچستان، کردستان و هرمزگان

بعد	سیاسی		فرهنگی		جغرافیایی		تاریخی		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سیستان و بلوچستان	۱۷	۲۰/۲۳	۲۹	۳۴/۵۲	۲۴	۲۸/۵۷	۱۴	۱۶/۶۶	۸۴	۱۰۰
کردستان	۵۳	۳۵/۵۷	۳۸	۲۵/۵	۲۴	۱۶/۱	۳۴	۲۲/۸۱	۱۴۹	۱۰۰
هرمزگان	۲۸	۲۲/۵۸	۲۳	۱۸/۵۴	۳۵	۲۸/۲۲	۳۸	۳۰/۶۴	۱۲۴	۱۰۰

منبع: داده‌های استخراج شده از متن کتاب‌های مورد بررسی

آزمون فرضیه‌ها

در این مقاله نویسندگان در صدد بودند تا چگونگی معرفی و بازنمایی هویت ناحیه‌ای و ملی را در کتاب‌های استان‌شناسی سه استان سیستان و بلوچستان، کردستان و هرمزگان بررسی کنند. در این راستا دو فرضیه مطرح شد که فرضیه نخست نوع رابطه هویت ملی و ناحیه‌ای و فرضیه دوم میزان توجه به ابعاد و مؤلفه‌های هویت ناحیه‌ای و ملی را بیان می‌کرد. یافته‌ها نشان داد که در بیشتر جمله‌ها و تصاویر کتاب‌ها، هویت ناحیه‌ای همسو با هویت ملی است، هر چند در موارد زیادی نیز متفاوت از آن یا حداقل بر اثر واژه‌گزینی نامناسب این‌گونه نشان داده شده است و تنها در موارد بسیار اندکی یعنی کمتر از دو درصد در تقابل با هویت ملی است. با این حال به دلیل پیوند بالای هویت ملی و ناحیه‌ای در ایران، امکان همسو نشان دادن هویت ناحیه‌ای با هویت ملی وجود دارد که با توجه به حساسیت و اهمیت این موضوع به‌ویژه در مناطق مورد بررسی، این مهم ضروری به نظر می‌رسد. جمله‌ها و تصاویر مرتبط با هویت ملی نیز کاملاً همسو با هویت منطقه و تأیید کننده هویت ناحیه‌ای است که این موضوع از نکات مثبت کتاب‌های مورد بررسی ارزیابی می‌شود. با توجه به این موارد و توضیحات مطرح شده در بخش‌های پیشین، فرضیه نخست تأیید می‌شود.

در ارتباط با فرضیه دوم همان‌طور که داده‌ها و جداول ۱، ۲ و ۳ نیز نشان می‌دهد نوعی عدم تناسب از نظر فراوانی میان مؤلفه‌ها و ابعاد مختلف هویت ناحیه‌ای و ملی در کتاب‌های مورد بررسی وجود دارد. این عدم تناسب در معرفی و بازنمایی هویت ناحیه‌ای به مراتب بیشتر است، فراوانی بالای ابعاد فرهنگی و جغرافیایی مؤید این نظر است. در پایان شایان ذکر است که دستاوردهای این پژوهش با پژوهش‌های که در زمینه جایگاه هویت ملی در کتاب‌های درسی در گذشته انجام شده، مطابقت و همخوانی دارد.

نتیجه‌گیری

از آنجا که بخشی از هویت ملی ایرانیان، از هویت مناطق و نواحی کشور آنها جدا نیست، به نظر می‌رسد که پاسداری از هویت ناحیه‌ای نیز از وظایفی است که باید مورد توجه دولت و نظام آموزشی قرار گیرد. در همین راستا موازی با آموزش و تبلیغ هویت ملی، هویت ناحیه‌ای نیز مورد توجه دولت بوده است و کتاب استان‌شناسی با چنین هدفی تدوین شده و تدریس می‌شود.

کتاب استان‌شناسی جایگزین کتاب جغرافیای استان شده است که در آن جغرافیای طبیعی و انسانی (سیاسی و اجتماعی) استان‌های مختلف را بررسی می‌کند. با توجه به رویکرد خاص و عمدتاً جغرافیایی این کتاب، به برخی عناصر و مؤلفه‌های مرتبط با هویت از جمله تاریخ و ادبیات کمتر توجه شده بود. از همین رو کتاب استان‌شناسی برای رفع این کاستی‌ها و معرفی بهتر هویت ناحیه‌ای و نشان دادن جایگاه و ارتباط همه جانبه مناطق و استان‌های مختلف با یکدیگر در قالب موجودیتی بزرگتر و فراگیر به نام «ایران» تألیف و در مقطع متوسطه تدریس می‌شود. با این حال برای امکان‌پذیر کردن فرصت اصلاح کتاب، مقرر شد این کتاب به مدت دو سال در سال‌های تحصیلی ۹۳-۹۴ و ۹۴-۹۳ به صورت آزمایشی تدریس شود، تا پس از دریافت نقدها، نظرات و ایرادهای کارشناسان و معلمان در صورت نیاز، متن کتاب مورد بازبینی قرار گیرد. از همین رو در این مقاله از منظر هویت ناحیه‌ای و ارتباط آن با هویت ملی، کتاب استان‌شناسی بررسی شد و به‌عنوان نمونه سه کتاب استان‌شناسی هرمزگان، کردستان و سیستان و بلوچستان بررسی شدند.

نتایج بررسی نشان داد، در هر سه کتاب بیشتر مطالب مرتبط و معرف همسویی هویت ناحیه‌ای با هویت ملی بودند. این همسویی در کردستان و در سیستان و بلوچستان به ترتیب با ۶۵ و ۶۰ درصد بیش از هرمزگان و ۵۳ درصد بود. در این میان در بخش‌هایی از مطالب کتاب نیز هویت ناحیه‌ای و ملی بی‌ارتباط با یکدیگر معرفی و بازنمایی شده بود که بیشترین میزان این بی‌ارتباطی و تفاوت در کتاب هرمزگان با بیش از ۴۵ درصد و پس از آن سیستان و بلوچستان نزدیک به ۳۹ درصد بود. در کتاب استان‌شناسی کردستان نیز در یک سوم مطالب هویت ناحیه‌ای و ملی بی‌ارتباط با یکدیگر معرفی شده بودند. اگرچه به دلیل تفاوت‌های ناحیه‌ای تا حدی این موضوع بدیهی، غیرقابل انکار و حتی مثبت است، اما در بسیاری از موارد متفاوت بودن و بی‌ارتباطی به دلیل عدم دقت مؤلفان در نگارش و به‌کارگیری عبارات‌ها و جمله‌ها صحیح است، به گونه‌ای که با تصحیح جملات، معانی القایی جملات نیز با هویت ملی همسو می‌شود. در کمتر از دو درصد از مطالب و جمله‌ها نیز معرفی و بازنمایی هویت ناحیه‌ای در تقابل با هویت ملی بوده که بخشی از این تقابل به دلیل نگاه خاص مؤلفان به مؤلفه‌های هویتی از جمله زبان/گوش و بخشی نیز به دلیل عدم به‌کارگیری عبارت و واژگان در جای مناسب بوده است.

با توجه به داده‌های استخراج شده و آزمایشی بودن کتاب‌های یاد شده، پیشنهاد

می‌شود متن و محتوای کتاب‌های بررسی شده، بازبینی شوند و در هنگام بازنگری و ویراستاری مجدد، جمله‌ها و مواردی که بیانگر تقابل هویت ناحیه‌ای و ملی است بازنگری و اصلاح شوند؛ زیرا همان‌طور که در بخش یافته‌های تحقیق اشاره شد در برخی موارد مؤلفان کتاب هویت ناحیه‌ای را بدون توجه به هویت ملی و در تقابل با آن برجسته کرده‌اند، این امر به خصوص درباره زبان/گوش ناحیه‌ای نمایان است تا جایی که در برخی موارد از جمله در کتاب استان‌شناسی هرمزگان وجه اعتراض گونه‌ای به خود می‌گیرد. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود ویراستاری نهایی کتاب‌ها از نظر محتوایی و دستوری با حضور کارشناسان خبره و اساتید دانشگاه صورت گیرد تا علاوه بر اصلاح موارد مرتبط با هویت ملی و ناحیه‌ای سایر ایرادهای کتاب‌های یاد شده از جمله ایرادهای محتوایی، نگارشی و دستوری که در هر سه کتاب وجود دارد، نیز برطرف شود. بدیهی است با توجه به اهداف تدوین و تدریس این کتاب، کتاب مذکور باید توسط کارشناسان و صاحب‌نظرانی از رشته‌های مختلف اما آشنا به فرهنگ، طبیعت، تاریخ، ادبیات و وضعیت توسعه این مناطق و هم‌چنین آشنا به عناصر و کارکردهای هویت ناحیه‌ای و ملی بازنگری و تألیف شود تا معرفی و بازنمایی هویت ناحیه‌ای منجر به تضعیف هویت ملی نشود.

منابع

- آزادمرزآبادی، اسفندیار (۱۳۸۷)؛ «بررسی ارتباط بین نظام ارزشی نوجوانان و هویت ملی آنان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۹، ش ۲، صص ۱۱۳-۱۳۲.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳)؛ *ایران: هویت ملیت و قومیت*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ایرانی، جمال؛ وحدانی، اقبال؛ مشیرپناهی؛ کیهان؛ محمدزاده، جمال (۱۳۹۲)؛ *استان‌شناسی کردستان*، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- برتون، رولان (۱۳۸۴)؛ *قوم‌شناسی سیاسی*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نی.
- پورموسوی، سیدموسی؛ میرزاده کوهشاهی، مهدی؛ رهنما قره‌خان‌بگلو، جهانبخش (۱۳۸۷)؛ «سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، س ۴، ش ۳، صص ۷۵-۱۰۱.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۳۸۹)؛ «کتاب‌های درسی و هویت ملی (فراتحلیل مطالعه‌های انجام شده درباره کتاب‌های درسی)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۱، ش ۴۲، صص ۵۴-۳۱.
- جهانگیر، منصور (۱۳۷۷)؛ *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دوران.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)؛ «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۶، ش ۴، صص ۵۲-۲۷.

- شمشیری، بابک؛ نوشادی، محمودرضا (۱۳۸۶)؛ «بررسی میزان برخورداری کتب فارسی، تاریخ و تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از مؤلفه‌های هویت ملی»، *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، س ۲ ش ۶، صص ۵۱-۸۷.
- صالحی عمران، ابراهیم؛ شکیباییان، طناز (۱۳۸۶)؛ «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۸ ش ۲۹، صص ۸۴-۶۳.
- عالی‌زاده، ایسینی؛ حکیمه، حیدری؛ هنگامی، آزینا؛ داودی‌پور، صغری؛ جهان‌شاهی، سهیلا؛ باوقار زعیمی، نساء؛ زمانی، کوروش (۱۳۹۲)؛ *استان‌شناسی هرمزگان*، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- عبدی، عطاءاله؛ لطفی، مریم (۱۳۸۷)؛ «جایگاه هویت ملی در کتب درسی آموزش و پرورش مورد مطالعه: کتب تاریخ دوره دبیرستان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۹ ش ۳۵، صص ۷۲-۵۳.
- عراقیه، علیرضا؛ فتحی واجارگاه، کورش؛ فروغی ابری، احمدعلی؛ فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۰)؛ «قومیت، پدیده‌ای آکسیمورون در برنامه درسی صریح مدارس متوسطه ایران»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، س ۱۰، ش ۴۰، صص ۸۶-۵۷.
- فیاض، ایراندخت؛ ایمانی قوشچی، فریبا (۱۳۸۹)؛ «بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و علوم اجتماعی دوره متوسطه رشته‌های علوم انسانی، تجربی و ریاضی فیزیک در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹»، *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، س ۶، ش ۱۷، صص ۶۳-۲۹.
- قاسمی، علی اصغر؛ ابراهیم‌آبادی، غلامرضا (۱۳۹۰)؛ «نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران»، *فصلنامه راهبرد*، س ۲۰، ش ۵۹، صص ۱۳۸-۱۰۷.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)؛ *عصر اطلاعات: قدرت هویت*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- محمودی، محمدتقی (۱۳۹۰)؛ «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از منظر نوع رویکرد آموزش شهروندی»، *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، س ۸ ش ۲۸ و ۲۹، صص ۱۰۷-۹۶.
- منصوری، علی؛ فریدونی، آزینا (۱۳۸۸)؛ «تبلور هویت ملی در کتب درسی بررسی محتوایی کتاب فارسی دوره ابتدایی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۰، ش ۳۸، صص ۴۶-۲۷.
- میر، علیرضا؛ میرشکاری، لیلیا (۱۳۹۲)؛ *استان‌شناسی سیستان و بلوچستان*، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- میرمحمدی، داوود (۱۳۸۳)؛ *هویت ملی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- نصری، قدیر (۱۳۸۷)؛ *مبانی هویت ایرانی*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی (مطالعات ملی).
- Guibernau, Montserrat (2001); *Globalization and Nation-State*, In: *Understanding Nationalism*, Guibernau, Montserrat & Hutchinson, John (eds) Polity Press, Cambridge.
- Klaus Roth (2007); *Region, Regional Identity and Regionalism in Southeastern Europe, Part 1*, *Journal for Southeast European Anthropology*, Vol 11, PP 11-43.
- Odehnal, Jan and Sery, Miloslav (2012); *Regional identity and its reflection in Czech human geography*, *razprave*, Dela 38, PP 25-37.
- Paasi, Anssi (2003); "Region and place: regional identity in question", *Progress in Human Geography*, Vol 28, issue 4, PP 475-485.
- ----- (2003); *Bounded spaces in the mobile world: Deconstructing "regional identity"*, *Tijdschrift voor economische en sociale geografie*, Vol 93, Issue 2, PP 137-148.
- Smith, Anthony (1999); *Myths and Memories of the Nation*, London: Oxford University Press.